

# نتایج اجتماعی و اقتصادی بیمه‌های عمر



مقالات

• دکتر ضیاء رفیعیان

احساس غربت و تنهایی و بی‌کسی بر او چیره می‌شود و گاه نیز دچار اختلالات روانی می‌گردد. بنابراین ثبات وضع مالی و داشتن منبعی که جایگزین درآمد از دست رفته شود، علاوه بر اینکه زندگی مادی شخص را از قرار گرفتن در سراسیمه سقوط نگه می‌دارد به تعادل روحی او کمک می‌کند.

ممکن است شخص بیمه شده از قرارداد بیمه عمری که به نفع او منعقد شده بهره مادی نبرد و شرایطی که در قرارداد برای انجام تعهد از طرف بیمه‌گر پیش‌بینی شده است، تحقق نیابد. با این همه او در تمام مدت قرارداد از آرامش روحی که ناشی از وجود قرارداد است بهره‌مند می‌شود. امنیت خاطر، خود دارای ارزش است و اطمینان خاطر از اینکه در صورت ناتوانی یا پسری، پریشانی و تهیدستی روی بدمنظر خود را به او نشان نمی‌دهد، بر توانمندی و قدرت روحی شخص می‌افزاید.

از جمله نتایج رهایی از تشویش و نگرانی و تحقق تعادل روانی که به آن اشاره شد افزایش آمادگی و نشاط است. کسی که آینده خود را در هاله‌ای از ابهام می‌نگرد، رغبت و شوق به کار را از دست می‌دهد و

تدارک نماید یا با انعقاد قرارداد بیمه امراض آنچه را اضافه بر هزینه‌های مورد قبول تأمین اجتماعی می‌بایست هزینه شود در تعهد بیمه‌گر قرار دهد. به این ترتیب بیمه‌های زندگی در تأمین نیازهای ضروری که در بسیاری از موارد منبعی برای تأمین آنها وجود ندارد، نقش مهمی ایفا می‌کنند. بنابراین، بیمه‌های زندگی هم‌دوش بیمه‌های تأمین اجتماعی در جهت رفع نیازهای افراد اجتماع گام برمی‌دارد و در واقع مکمل آن است و در آنجا که قامت تأمین اجتماعی کوتاه است، سیمای نیک و نجات بخش بیمه‌های زندگی ظاهر می‌شود.

امنیت خاطر و رهایی از تشویش و نگرانی از جمله ثمره‌های بیمه‌های زندگی است. هر فرد معمولاً با این نگرانی روبرو می‌شود که ممکن است در اثر وقایعی ناگوار، درآمد او نقصان یافته و یا قطع شود و در نتیجه معاش او دستخوش اختلال گردد؛ در این صورت در نزد اقوام، خویشان و دوستان خود سرافکننده خواهد بود. بخشی از حیات اجتماعی هر کس در ارتباط و معاشرت او با دیگران تجلی می‌کند. اگر کسی از این روابط محروم شود، پاره‌ای از زندگی روحی خود را از دست می‌دهد و

در شرایط عادی زندگی، اصولاً هر کس که قدرت کار کردن داشته باشد، می‌تواند به کاری مشغول شده و هزینه‌های متعارف زندگی خود را به دست آورد. در زمینه نیازهای ضروری، تأمین اجتماعی به کمک شخص می‌آید. اگر کسی کار خود را از دست بدهد یا بیمار شود یا در اثر صدمه بدنی به طور موقت یا دائم نتواند کار کند از خدمات سازمان تأمین اجتماعی بهره‌مند می‌گردد؛ ولی نیاز در این حد متوقف نمی‌شود و دامنه آن از این محدوده وسیع‌تر است. بسیاری از کسانی که در دوران پیری دچار تهیدستی و فقر می‌شوند، آنچه که تأمین اجتماعی برایشان انجام می‌دهد کافی نیست. همچنین ممکن است شخص قبل از گذراندن سال‌های پیری فوت کند و خانواده او در عسرت و تنگدستی قرار گیرند. اضافه بر اینها، هزینه‌های بیمارستانی نیز در بسیاری موارد از حدود تعهدات تأمین اجتماعی تجاوز می‌کند و پرداخت مازاد در استطاعت خانواده بیمار نیست. در این موارد، بیمه‌های زندگی پاسخگوی این نیازها است. هر کس می‌تواند با خرید بیمه عمر به شرط حیات، ذخیره‌ای برای دوران پیری خود تهیه کند یا با خرید بیمه عمر به شرط فوت، سرمایه‌ای برای بازماندگان

چنانچه این امر جنبه عمومی پیدا کند آثار زیان بار اجتماعی در پی دارد. کسی که با علاقه و اشتیاق و تمایل قلبی کار نمی‌کند، کار او نه از لحاظ کمی و نه از جهت کیفی قابل توجه است. ساخته‌ها و پرداخته‌های این قبیل افراد، قابل اعتماد نیست و نمی‌توان اطمینان داشت که از نقص و عیب خالی باشد. این پدیده در مصنوعات که نیاز به دقت و توجه هوشمندانه دارد و نقص آنها مخاطره‌انگیز است، می‌تواند موجب بروز ضایعات انسانی و مادی فراوان باشد. مثلاً در صورتی که یک کشتی یا هواپیما به درستی تعمیر نشود، جان و اموال انسانها در معرض نابودی قرار می‌گیرد.

تهیدستی منشاء پریشانی است و پریشانی شخص را از حق منحرف و به طرف باطل سوق می‌دهد. آدم پریشان احوال که کار خود را با صحت و اتقان انجام نمی‌دهد حقی را که جامعه بر گردن او دارد فرومی‌گذارد و تکلیفی را که به عهده او

نهاده شده است، نادیده می‌گیرد. از لحاظ دیگر، وجدان کار و درستی عمل که ودیعه‌ای الهی است و به‌طور فطری در وجود هر انسان قرار داده شده است، پایمال می‌شود، بدین‌گونه نیروهایی که منشاء فضیلت و کمال انسانی هستند در زیر گل و لای کژی‌ها پنهان می‌شوند و این جلوه‌ای از کفران نعمت‌های الهی است.

در یک اقتصاد رو به رشد، نیروی کار ستون‌های اصلی محسوب می‌شود. اگر نیروی کار از اخلاقیت، تعادل، درستی، پشتکار و بکارگیری همه ظرفیت‌های خود بهره‌مند باشد و آنچنان که باید به وظایفش عمل کند، برنامه‌های اقتصادی و طرح‌ها در بستر مناسبی قرار می‌گیرند و دستاورد سرمایه‌گذاری‌ها آشکار و نتایج برای همگان آشکار می‌شود. بنابراین هر آنچه بذر امید را در دل‌ها بپاشد، افق آینده را روشن‌تر کند و ترس فقر را از دلها بزدايد زمینه را برای آراسته شدن نیروی کار به خصائص یاد شده فراهم می‌نماید و خطر

بی‌تفاوتی و سهل‌انگاری و سستی را تقلیل می‌دهد. ثروت اصلی ملت‌ها در روزگار ما منابع طبیعی یا سرمایه‌های مادی نیست ثروت اصلی، نیروی کار فعال، خلاق و پرنشاط می‌باشد. اساس پیشرفت و تعالی اقتصادی در این سرمایه است؛ ولی برای تحقق این شرایط باید نیروی کار، تأمین مالی داشته و دغدغه آینده، روان او را فرسایش ندهد. خلاقیت ذهنی در نیروی کار کشور هنگامی امکان ظهور یافته و پا به عرصه هستی می‌گذارد و با ابداعات و ابتکارها منشاء تحول اقتصادی می‌شود که از قید فقر رهایی یافته باشد. در بستر دچار فقر و تهیدستی، علم و معرفت رشد نمی‌کند و به کار گرفته نمی‌شود.

سخن پیامبر بزرگ اسلام «**كادالفرقان یكون كفرا**» بیانگر این واقعیت است. شالوده روابط سالم اجتماعی بر اخلاق نهاده شده و پیدایش و بقای اخلاق فردی و اجتماعی منوط به وجود تأمین اجتماعی است. بنابراین، باید به آنچه که ما را در راه تأمین اجتماعی یاری می‌دهد ارج نهمیم و راه ورود آن را به زندگی تسهیل کنیم.

اندیشمندانی که اخلاق نیک را بالاترین فضیلت می‌دانند بر این باورند که سعادت اجتماعی در گرو پای بندی مردم به اخلاق است و برای وصول به این هدف درصددند که بنیان تأمین اجتماعی را استحکام بخشند. بیمه‌های زندگی در صورت تعمیم و گسترش از پایه‌های اساسی تأمین اجتماعی به شمار می‌روند. متأسفانه در فضای فرهنگی موجود بیمه و به‌طور خاص، بیمه عمر به درستی شناخته نشده است. کسانی که در این باره گفته یا نوشته‌اند گاه بین عمل بیمه‌گر و ماهیت و اهمیت و صنعت بیمه تمایز قائل نشده است و در جنب انتقاد از عمل بیمه‌گر کمتر بر این نکته تاکید کرده‌اند که بیمه یک نیاز ضروری برای زندگی هر انسانی است و در هر کشوری که بیمه رایج‌تر و پر رونق‌تر



باشد رفاه اجتماعی بیشتر و تأمین فراگیرتر است. گسترش بیمه‌های زندگی در یک کشور نه تنها نمایانگر بهبود وضع مالی مردم است، بلکه وسعت آگاهی و هشیاری آنها را نشان می‌دهد و معلوم می‌نماید که راه مقابله با حوادث را شناخته‌اند و با واقع‌بینی و تدبیر مسیر زندگی خود را باز می‌نمایند.

بیمه‌های زندگی در کشور ما لطمه‌های فراوان دیده و کمتر مجال برای طرح و توسعه آن فراهم شده است. برای مقابله با این وضع از یک سو بر عهده بیمه‌گران است که از گذشته عبرت گیرند و راه‌های نویی را برای اشاعه بیمه‌های عمر و جلب اعتماد بیمه‌گذاران بالقوه پیدا کنند. از سوی دیگر صاحبان قلم و گویندگان رسانه‌های گروهی می‌بایست بیمه‌های زندگی را به عنوان درمان بسیاری از دردهای اجتماعی معرفی کنند و گرد فراموشی و غفلت را از آن بزدایند و آن را بر جایگاه مناسب خود بنشانند.

در کشور استعداد‌های فراوانی داریم که هیچ‌گاه شرایط تجلی آنها فراهم نشده است. این ظرفیت‌های بسیار ارزشمند همانند جوانه‌هایی بر زمین می‌ریزند. نه خود از زندگی بهره می‌برند و نه می‌توانند برای دیگران منشاء خدمت مناسب باشند. این استعدادها برای سربرافراشتن و بالندگی نیاز به زمینه‌های مناسب دارند باید از زیر فشار بار طاقت‌فرسای تأمین هزینه‌های زندگی که در سن خردسالی بر آنها تحمیل شده است رها شوند؛ باید امکان شکوفایی به آنها داده شود. چنین امکانی را بیمه‌های زندگی میسری سازد. اگر پدران و مادران آگاه شوند که می‌توانند طی قراردادی با بیمه‌گر، هزینه تحصیل یا آموزش فنی یا حرفه‌ای فرزند خود را تأمین نمایند، از تدارک حق بیمه آن با تن دادن به هر تلاشی درنگ نخواهند کرد. آگاهی و امید

## **گسترش بیمه‌های زندگی در یک کشور نه تنها نمایانگر بهبود وضع مالی مردم است، بلکه وسعت آگاهی و هشیاری آنها را نشان می‌دهد و معلوم می‌نماید که راه مقابله با حوادث را شناخته‌اند**

به آینده فرزند، آنها را برای قبول مسئولیت و زحمت بیشتر آماده می‌کند.

کم نیستند کودکانی که به اجبار همراه پدران خود در مزارع به کار مشغولند یا در کارگاه‌های قالی‌بافی گره می‌زنند یا در مراتع گوسفند می‌چرانند. استعداد و توان بالقوه این کودکان دفن می‌شود. بسیاری از آنها شایستگی فراگیری هر دانش یا هر فنی را دارا هستند ولی شرایط اجتماعی آنها را از وصول به موقعیتی که در خور آن هستند محروم کرده است.

نجات از این محرومیت به برکت بیمه‌های زندگی میسر است. در میان روستائیان ما کسانی هستند که فرزندان آنها در چنین شرایطی، دوران کودکی و نوجوانی خود را می‌گذرانند و پس‌اندازهای خود را که با تنگ‌گیری بر خود و خانواده خویش فراهم آورده‌اند در اموری که اغلب مشروع و پسندیده است ولی از اولویت برخوردار نیست صرف می‌کنند و از این مهم غافلند که عرضه فرزندان کاردان و کارآمد و با سواد به اجتماع از بزرگترین عبادت‌ها است. رسول گرامی اسلام فرمود: «بهترین مردم کسانی هستند که خیر آنها بیشتر به دیگران می‌رسد». از جمله بهترین خیرها که وارد اجتماع شده و زندگی جمعی را غنی و بارور می‌سازد و راه تکامل و پیشرفت اجتماعی را می‌گشاید، تربیت نسلی است که هم از علوم و فنون عصر خود و هم تربیت دینی بهره‌مند باشد. اگر همین

پس‌اندازهای اندک در مسیر درست قرار گیرد، همانند قطره‌های باران که زاینده رودخانه است تحولی پدید می‌آورد و جامعه از ثمرات آن جامعه بهره‌مند می‌شود. اگر جامعه روستایی و کارگری ما آگاهی لازم را به دست آورد و به سمت بیمه‌های زندگی جذب شود از زندگی ایستا و یکنواخت خود نجات می‌یابد و با احراز صلاحیت لازم می‌تواند موقعیت اجتماعی مناسبی را کسب کند.

در جامعه‌ای که پیشرفت و تعالی شخص در سلسله مراتب اجتماعی میسر است، می‌بایست موانع تعالی از پیش پای مستعدان برداشته شود تا آنها بتوانند خود را بسازند و به اهداف والا دست یابند. از بزرگ‌ترین موانع در راه به ثمر رسیدن استعدادها، فقدان امکانات مالی است. جامعه‌ای از ایستایی نجات می‌یابد و در راه پیشرفت مادی و معنوی گام برمی‌دارد که بتواند گریبان خود را از چنگ فقر رها سازد. اگر دیدیم جامعه‌ای در حال توقف و رکود است، می‌توانیم نتیجه بگیریم که در گرداب فقر غوطه‌ور است و از دست اهرم تهنیتی نجات نیافته است.

از جمله مواهب بیمه‌های زندگی ایجاد علاقه و رغبت به پس‌انداز است اصولاً قراردادهای بیمه‌های زندگی به گونه‌ای تنظیم می‌شود که جاذب باشد؛ به نحوی که بیمه‌گذاران بالقوه را برای عقد قرارداد جلب نماید و علاوه بر آن موجب دوام و استمرار قرارداد باشد. بنابراین، بیمه‌گذاران که به امید نتایج آتی قرارداد، سند بیمه را دریافت می‌دارند؛ برای پرداخت حق بیمه قسمتی از درآمد خود را پس‌انداز می‌کنند. این پس‌انداز، برخاسته از رغبت و انگیزه ادامه قرارداد است نه آن‌که نوعی احساس به‌الزام، منشاء آن باشد. بیمه‌گذار آزادانه این پس‌انداز را انتخاب می‌کند نه اینکه به موجب قرارداد خود را ملزم به پس‌انداز



بداند. این خصوصیت به نوبه خود موجب رشد و توسعه بیمه‌های زندگی می‌شود. پس اندازهای کوچک، گردآورنده سرمایه‌های قابل توجه است. سرمایه منشاء تولید و اشتغال و این دو عامل زاینده فقر است. رهایی از فقر، اصولاً ملازم با رهایی از جهل می‌باشد و از جمله ثمرات رهایی از جهل تنظیم امر معیشت و پرهیز از اسراف و تبذیر است. گروهی از مردم به بسیاری از چیزها دلخوش دارند یا عادت می‌کنند که نه تنها ضروری زندگی نیست که گاه زیان بخش هم هست. آیا مصرف سیگار یا زیاده‌روی در مصرف آشامیدنی‌ها لازم یا حتی مفید است. اگر آگاهی و بصیرت که زاده علم و معرفت است، پدید آید، مبالغی که در این راه‌ها صرف می‌شود در مسیرهای درست و معقول به کار می‌افتد. بسیاری از کارگران، اعم از کارگران بخش صنعتی یا کشاورزی، به مصرف سیگار اعتیاد دارند. برعهده رسانه‌های گروهی و سخن‌گویان است که زیان‌های این قبیل اعتیادها را برشمردند و به آنها بفهمانند که با پس انداز کردن پولی که در این موارد صرف می‌شود، می‌توانند زندگی خوبی را برای خود فراهم سازند و تحولی اقتصادی را در کشور موجب شوند. از لحاظ آگاهی دادن و هشیار کردن مردم خلاء بزرگی در کشور ما وجود دارد. تبلیغات شرکت‌های بیمه چندان موثر نیست؛ زیرا مردم بر این باورند که بیمه‌گران به نفع خود سخن می‌گویند و اگر از مزایای بیمه و بیمه‌های زندگی می‌گویند؛ این کار برای منافع عمومی نیست بلکه آنها درصد تحصیل سودند. از این‌رو، مساعی و هزینه‌های بیمه‌گران، آنها را به اهداف موردنظر چندان نزدیک نمی‌کند. اگر سخن‌گویان آگاه از مزایای بیمه‌های زندگی و نتایج اجتماعی و اقتصادی آن باب سخن را با شنوندگان خود بگشایند و از رمز موفقیت اقتصادی برخی از کشورها پرده

## **تبلیغات شرکت‌های بیمه چندان سودمند نیست؛ زیرا مردم بر این باورند که بیمه‌گران به نفع خود سخن می‌گویند و اگر از مزایای بیمه و بیمه‌های زندگی می‌گویند؛ این کار برای منافع عمومی نیست بلکه آنها درصد تحصیل سودند**

بردارند و سلوک و رفتار مردم آن کشورها را در این باره بیان نمایند، آثاری بس چشمگیر برجای خواهند گذاشت. اغلب به بیمه‌های زندگی از جنبه منفعی که بیمه‌گذار یا بیمه شده به دست می‌آورد نگرسته می‌شود و آنچه در پرده فراموشی و غفلت می‌افتد، مزایای اجتماعی و اقتصادی آن است. درست است که در شرایط اقتصادی تورمی، برخی از قراردادهای بیمه‌های زندگی برای بیمه‌گذاران جالب نیست ولی اگر با دید وسیع‌تری به موضوع نگرسته شود و مسئله از لحاظ مصالح ملی مورد عنایت قرار گیرد برداشت دیگری ارائه خواهد شد. در این نگرش، بیمه‌گر نه تنها به عنوان مؤسسه‌ای که با دریافت حق بیمه تعهداتی را در مقابل بیمه‌گذاران یا بیمه‌شدگان می‌پذیرد، تلقی می‌شود؛ بلکه اضافه بر آن متصدی گردآوری سرمایه برای مؤسسات تولیدی محسوب می‌گردد. با این برداشت، بیمه‌گذاران و بیمه‌شدگان خود در استحکام بنیان اقتصاد ملی سهیم هستند و به وظیفه اجتماعی خود عمل می‌کنند و هم به طور غیر مستقیم از منافع حاصل از این سرمایه‌گذاری‌ها بهره‌مند می‌شوند. افزایش تولید، افزایش عرضه محصولات را در پی خواهد داشت و تعادل بین عرضه و تقاضا را موجب خواهد شد. در نتیجه از رشد تورم و افزایش قیمت‌ها پیش‌گیری خواهد کرد. این نکات باید به تفصیل در

سخنرانی‌ها بیان شود. بدیهی است عمل بیمه‌گران باید مؤید این ادعا باشد و قسمت بزرگی از مبالغی که از بیمه‌گذاران بیمه‌های زندگی دریافت شده در عرصه تولید به کار گرفته شده است و نتایجی سودمند معقول و منطقی را در پی خواهد داشت. لازم است بیمه‌گران به موقع، نتایج به دست آمده از این سرمایه‌گذاری‌ها را منتشرکنند. و در دسترس عموم مردم قرار دهند.

آخرین نکته اینکه بیمه عمر از یک لحاظ بر تأمین اجتماعی برتری دارد. هدف از تأمین اجتماعی این است که نیازهای فرد تأمین شود و حوائج ضروری او برطرف گردد. در اجرای این اهداف، علاوه بر دستمزد یا حقوق، مزایای دیگری نیز به بیمه شده تعلق می‌گیرد، آنچه اضافه بر دستمزد یا حقوق به او تعلق می‌گیرد معمولاً هزینه می‌شود و موجب افزایش تقاضا می‌گردد. در این صورت در شرایط متعارف اقتصادی که تولید در حد کفایت است و بین عرضه و تقاضا تعادل برقرار است، مشکلی پدید نمی‌آید ولی در شرایطی که تولید کافی نیست و وضع تورمی وجود دارد، این امر تورم را دامن می‌زند و آثار مخرب آن کسانی را هم که از آن مزایا بهره‌مند هستند دربرمی‌گیرد. در بیمه عمر این وضع نامطلوب وجود ندارد و درست در جهت خلاف آن عمل می‌کند به این معنی که بیمه‌گذاران بیمه عمر، پس اندازهای خود را هزینه نمی‌کنند و پس اندازها به جای اینکه در چرخه تقاضا جریان یابند در چرخه تولید قرار می‌گیرند. بین زمانی که بیمه‌گذاران حق بیمه پرداخت می‌کنند و هنگام انجام تعهد از طرف بیمه‌گر، فاصله زمانی طولانی وجود دارد و این مدت این فرصت را به دست‌اندرکاران امور اقتصادی می‌دهد که با بهره‌گیری از امکانات، شرایط اقتصادی را متحول و بحران‌ها را مرتفع و اقتصاد را از ناهنجاری‌ها نجات دهند.

